

**متن وصیتنامه حضرت زهرا (سلام الله علیها)**

سلام بر فاطمه سلام الله علیها و فرزندان فاطمه که مادرشان تا روز قیامت بر آنها سلام کرده است...



سلام بر فاطمه سلام الله علیها و فرزندان فاطمه که مادرشان تا روز قیامت بر آنها سلام کرده است

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما اوصت به فاطمة بنت رسول الله

اوصت و هی تشهد أن لا إله إلا الله و أن محمد(صلی الله علیه و آله) عبده و رسوله و ان الجنة حق و النار حق و ان الساعة آتية لا ريب فيها و ان الله يبعث من فى القبور يا على! انا فاطمة بنت محمد زوجنى الله منك لاكون لك فى الدنيا و الآخرة انت أولى بى من غيرى حنطنى و غسلنى و كفنى بالليل و صل على و ادفنى بالليل و لا تعلم احدا و استودعك الله و اقرء على ولدى السلام الى يوم القيامة (بحار الانوار، ج 43، ص 214).

به نام خداوند بخشنده مهربان

این وصیت نامه فاطمه دخت رسول خداست، در حالی وصیت می کند که شهادت می دهد، خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد(صلی الله علیه و آله) بنده و پیامبر اوست و بهشت حق است و آتش جهنم حق است و روز قیامت فرا خواهد رسید، شکی در آن نیست و خداوند مردگان را زنده وارد محشر می کند. ای علی! من فاطمه دختر محمد(صلی الله علیه و آله) هستم، خدا مرا به ازدواج تو درآورد، تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری، حنوط و غسل و کفن کردن مرا در شب به انجام رسان و شب بر من نماز بگذار و شب مرا دفن کن و هیچ کسی را اطلاع نده! تو را به خدا می سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می فرستم .

\*\*\*\*\*

**گزارش تکمیلی :**

در آخرین لحظات حیات حضرت زهرا(علیهاالسلام) وقت آن رسیده بود که ایشان رازهایی را که در این مدت در سینه نهان داشته بود در قالب وصیت‌های لازم الاجراء با همسرش درمیان بگذارد. از این رو، عرضه داشت:

پسر عمو! من خبر مرگ خویش را دریافت کرده ام و لحظه به لحظه به زمان دیدار پدر بزرگوارم نزدیک‌تر می شوم، اکنون تو را به انجام خواسته هایی که در دل دارم سفارش می کنم.

امام علی(علیه‌السلام) به او فرمود: دخت رسول خدا(صلی الله علیه و آله)! هر چه دوست داری سفارش کن .

امام بر بالین زهرا نشست و از افراد حاضر در خانه خواست خارج شوند و سپس فاطمه زهرا (علیهاالسلام) لب به سخن گشود و عرضه داشت:

پسر عمو! بر این باورم از آن زمان که زندگی خود را با تو آغاز کردم، در خانه ات دروغ نگفتم و به تو خیانت نورزیدم و از اطاعتت سر بر نداشتیم.

امام فرمود:

حاشا! از چنین چیزی فاطمه جان! تو به عظمتِ خداوند آگاه‌تری و نکوکارتر و پروا پیشه تر و گرمی تر(از تو وجود ندارد) و ترس و بیم تو از خدا بیشتر از آن است که من تو را بر نافرمانی ات مورد نکوهش قرار دهم. جدایی و از دست دادنت برایم بس دشوار است، ولی راه گریزی از آن نیست، به خدا سوگند! با رفتنت مصیبت جانسوز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را یک بار دیگر برایم تازه کردی، بار جدایی و رحلت تو فوق‌العاده سنگین است، همه از خداییم و به سوی خدا باز می‌گردیم، مصیبت و فراق تو آنقدر اندوهبار است که سخت‌تر و دردناک‌تر و رنج‌آورتر و غم‌انگیزتر از آن وجود ندارد! مصیبتی است که عزا و مصیبتی فراتر از آن نمی توان سراغ داشت.

سپس لحظاتی هر دو گریستند و امام سر مبارک فاطمه(علیهاالسلام) را بر سینه نهاد و آنگاه فرمود:

(فاطمه جان!) هرگونه وصیتی می خواهی به من سفارش کن، به وصیت‌هایت مو به مو عمل خواهم کرد و هر چه را به من فرمان داده ای به انجام می رسانم، و فرمان تو را بر کار خود ترجیح می دهم.

زهرای مرضیه(علیهاالسلام) عرضه داشت:

پسر عمو! خداوند از ناحیه من به تو پاداش خیر عنایت کند، نخستین وصیتم این است که پس از من زنی را به ازدواج خویش درآوری... زیرا مردان بدون زن نمی توانند ادامه زندگی دهند .

و سپس معروض داشت:

سفارش بعدیم این است که اجازه ندهی هیچ یک از افرادی که در حقم ستم روا داشتند در تشییع جنازه ام حاضر شوند، زیرا آنان دشمنان خدا و رسولند و رخصت ندهی هیچ کدام از آنان یا هوادارانشان بر جنازه ام نماز بگذارند و شبانگاه، آن زمان که دیدگان مردم آرامش یافت و چشم‌ها به خواب رفت، مرا به خاک بسپار. (1)

ابن عباس، هصت نه‌شته شده ام، ا از آن، مخدّه، هانت کده که در بخش، اه، ذک شد. پی‌نوشت‌ها:

1- روضة الواعظین، 1/ 151.